

مروری بر سریال‌های موفق دفاع مقدس

تلویزیون روی مدار جنگ

سامان آسمانی از نوزده ماه برای نشان دادن زوایای مختلف دست به کار شده بودند. خبرنگاران رسانه‌های مختلف و عکاس‌ها در فکر ثبت بخشی از ماجرا بودند. آنها که در کار هنر و فیلمسازی دستی داشتند، دانش و عاطفه انسانی‌شان را کنار هم جمع کردند و مشغول طرح مضامین شدند. پیشتر جنگی رخ داده بود سخت و نابرابر. یک طرفش ایران بود و طرف دیگرش رژیم بعثی عراق که شرق و غرب در کنارش بودند. تجهیزش می‌کردند و او را به میانه میدان می‌فرستادند. فرجام‌ها چیزی که آنها فکر می‌کردند نبود. آمده بودند ۴۸ ساعته سقوط تهران را رقم زدند اما حتی یک وجب از خاک ایران نصیب‌شان نشد. نبرد نابرابر که تمام شد، اهل هنر و فرهنگ خواستند گوشه‌ای از آنچه امرم ایران در آن هشت سال سخت و سوزناک تجربه کرده بودند، نشان دهند. این گونه بود که فیلم‌های سینمایی فراوانی در مورد جنگ ساخته شد. اهل موسیقی برای وقایع مختلف دفاع مقدس موسیقی نوشتند و سر سال‌های داستانی به بستری برای بازنمایی آنچه قهرمانان واقعی این خاک با عیش بودند، میدادند. تلویزیون که هنوز هم در ایران پر مخاطب ترین رسانه است، کار خودش را کرد. کارنامه برجای مانده از اقدامات سریال‌سازان، هم گواه نادیده‌های بسیار است و هم نقاط درخشانی را در دل خود جای داده. صفحه پیش و مروری است بر سریال‌های موفق که در حوزه دفاع مقدس ساخته شده‌اند:

سفر به جزایه

«سفر به جزایه» عنوان مجموعه‌ای بود که بر اساس دو فیلم «سفر به جزایه» و «حج‌ت یافتگان» ساخته شد. اثر زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور از معدود آثار ساخته شده در مورد دفاع مقدس بود که رنگ و بوی نقد را هم با خود به همراه داشت. ملاقلی‌پور ساخت این فیلم مجموعه را از سال ۷۳ آغاز کرد و در نهایت در سال ۷۶ آن را به تلویزیون و سینما سپرد. در این سریال داستان گردشگرانی که به مناطق جنگی رفته‌اند، روایت می‌شود. هر کدام از آنها از جنگ روایت‌ها و ماجراهایی را در ذهن دارند.

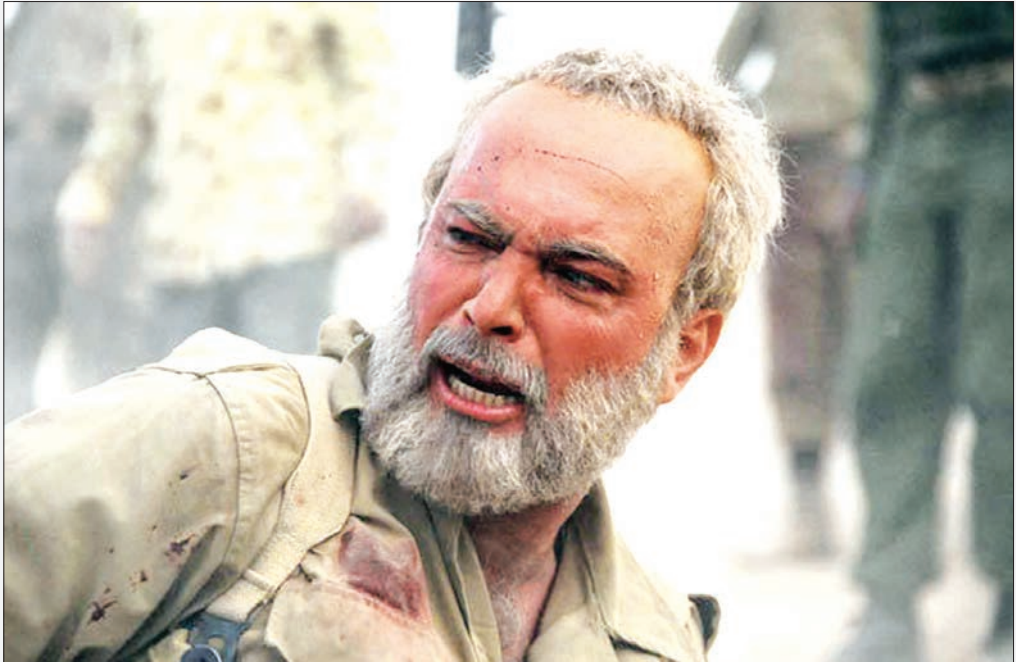


به‌عنوان مثالی از آنها کارگردان فیلمی جنگی است که با آهنگساز فیلمش سر صحنه فیلمبرداری می‌رود و خود را در جزایه می‌یابد و با زمندگان شهیدی که کارگران با آنها آشنا بوده، در صحنه نبرد رو به روی می‌شود. آهنگساز ابتدا از محیط می‌هراسد اما به تدریج در حال‌وهوای جبهه قرار می‌گیرد و به حس مورد نظرش برای ساخت موسیقی فیلم جنگی می‌رسد. در این میان پرستار نجات‌یافته‌ای هم هست که به یاد داستان آخرین روزهای جنگ در یکی از مراکزهای هلال احمر می‌افتد که به همراه یک مجروح قطع نخاعی راهی پشت جبهه می‌شود. «سفر به

در چشم باد

در چشم باد سریالی خوش ساخت به کارگردانی و نویسندگی مسعود جعفری جوزانی بود که سه دوره مهم از تاریخ ایران یعنی سال‌های ۱۳۰۰، ۱۳۲۰ و ۱۳۶۰ را روایت می‌کرد. این سریال پر بیننده که از شبکه یک سیما پخش شد، ۵۰ قسمت داشت و بازیگران شناخته شده و پرشماری در آن به ایفای نقش پرداختند. پارسا پیروزفر، کامبیز دریا، ستاره صفراوه، سعید نیکپور، جلال پیشوایان، لاله اسکندری، اکبر عبدی، فخرالدین صدیق شریف، جهانگیر الماسی، محمدرضا هدایتی، سحر جعفری جوزانی، رضا شفیعی جم، گلاره عباسی، فریبا متخصص، ماه چهره خلیلی، مهدی کاسه‌ساز، هومن سیدی، سام درخشانی، سعید راد، مصطفی زمانی، سیما تیرانداز، نبوشا ضیغمی و بهنام و رسته بازیگران این مجموعه بودند. به نظر برخی از منتقدان ادامه دار بودن انقلاب و جنگ و مقاومت در ایران از دوره میرزا کوچک خان جنگلی و مبارزه با متفقین تا جنگ هشت ساله پیام اصلی این سریال بود. با این حال بخش سوم این سریال که مربوط به فتح خرمشهر بود و صحنه‌های جنگی بی نظیری را در سریال ثبت کرده، حایز اهمیت است. ضمن این که آوردن تصاویر مستند از عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر هم ویژگی دیگری به این مجموعه عظیم تاریخی و سیاسی بخشید. «در چشم باد» قصه زندگی خانواده‌ای است که رویدادها و لحظات تلخ و شیرین زندگی‌شان از دوره قیام میرزا کوچک جنگلی تا آزادسازی خرمشهر در آن به تصویر کشیده می‌شود، قصه از زمانی آغاز می‌شود که میرزا کوچک خان جنگلی، در گیلان

اعلام جمهوری می‌کند و با این اقدام دوران پر حادثه تاریخ معاصر ایران آغاز می‌شود که سه دوره تاریخ ایران را بازگو می‌کند (قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی). در این سریال ۱۵۰ بازیگر در نقش‌های اصلی ایفای نقش کرده‌اند. «سعید نیک‌پور» نقش «حسن ایرانی» پدر خانواده را بازی می‌کند. او از ابتدای سریال در قصه حضور دارد و در فاز دوم از قصه خارج می‌شود. ایرانی ۳ پسر و یک دختر دارد که نام یکی از پسرها «بیژن» است و نقش او را «پارسا پیروزفر» بازی می‌کند. «بیژن» خلیان است و در جنگ جهانی دوم با متفقین می‌جنگد. او پس از جنگ دستگیر و به خارج از کشور تبعید می‌شود. بیژن زمان جنگ تحمیلی به ایران می‌آید و برای پیدا کردن پسرش مجبور می‌شود به جبهه برود. نقش پسر دیگر ایرانی به نام «نادر» را «کامبیز دریا» بازی می‌کند. «نادر» تاجر است و تمایل زیادی به دخالت در ماجراهای سیاسی ندارد... موسیقی متن این فیلم را حسین علیزاده نوازنده و آهنگساز شناخته شده موسیقی ایرانی ساخته است. موسیقی متن در چشم باد توسط حسین علیزاده ساخته شده است. ساخت موسیقی برای سریال در چشم باد دومین تجربه شخصی علیزاده در حوزه ساخت موسیقی برای سریال پس از مجموعه تلویزیونی زیر تیغ است. علیزاده با بهره‌گیری از موسیقی دوره‌های گوناگون تاریخی سریال و بهره‌گیری از عناصر و نمادهای جغرافیایی و تاریخی و با توجه به تسلط بر ردیف دستگاهی از فضا و حجم موسیقی ایرانی برای ساخت موسیقی این سریال بهره گرفته‌است.

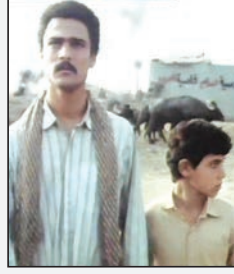


نبرد دیگر



سال ۷۳ بینندگان شبکه یک سیما شاهد به روی آنتن رفتن سریالی بودند که در گروه جنگ ساخته شده بود. عبدالله باکیه کارگردان این سریال سیزده قسمتی که تا آن زمان دو فیلم سینمایی «پوتین» و «صلیب طلایی» را در سینما کارگردانی کرده بود، قصه این سریال را به تصویر کشید. نبرد دیگر شاهد هنرنمایی اکبر سنگی، غلامرضا علی‌اکبری، شاهرزاد احمدلو، حسین خانی‌بیک و مهدی فقیهید. در مقام بازیگر بود. در خلاصه داستان آن سریال آمده بود: «این مجموعه تلویزیونی مربوط به جنگ ایران و عراق است و زندگی اسرای ایرانی در اردوگاهی در عراق را به تصویر می‌کشد. گروهی از زندگان ایرانی به اسارت نیروهای بعث عراق در می‌آیند و به اردوگاهی منتقل می‌شوند که فرمانده خشن و سختگیری ملقب به «مشعل» (بابازی اکبر سنگی) آن را اداره می‌کند. مشعل یکی از افسران استخبارات عراق است که به اردوگاه مقفولان می‌آید تا حاج رسول رستگاری را پیدا کند. حاج رسول فرماندهای ایرانی است که در عملیات چترانه نصف صورت مشعل را با آرمی جی سوزانده است و او حالا در بی انتقام است». یکی از نکاتی که مقبولیت «نبرد دیگر» در میان مخاطبان این سریال را در دل داشت مستند بودن داستان بود.

آتش در خرمین



درست ۴ سال بعد از روزی که حسین فتاحی برای نوشتن کتاب «آتش در خرمین» جایزه کتاب بر گرفته سال را دریافت کرده، سریالی با همین نام و بر اساس نوشته او به روی آنتن شبکه دو سیما رفت. سوزه اصلی کتاب نوجوان و جنگ بود و خوب در سال‌هایی که تعداد نویسندگانی که از روی دست هم می‌نوشتند زیاد نشده بود، قصه‌ای با این سوزه گیر بود و جذاب و می‌توانست زمینه ساز پدیدار شدن موقعیت‌های چالش برانگیز را در کارهای تصویری فراهم کند. محمدرضا سرهنگی بعد از آنکه از قصه آتش در خرمین مطلع شد به فتاحی پیشنهاد همکاری داد. در ادامه فیلمنامه‌ای زیبا نوشته شد و سازمان سینمایی سبحان به همراه شبکه دو مالک سینمایی و نسخه تلویزیونی این اثر شدند. «آتش در خرمین» سریالی هفت قسمتی بود که هر یک از قسمت‌هایش ۴۰ دقیقه بود. سعید حاج‌میری کارگردانی‌اش را به عهده داشت و کامل تبریزی که آن سال‌ها جوانی تازه نفس به حساب می‌آمد فیلم برداری گل پامچال را انجام داد. حسین یاری، لفته حیدری و سهامه جوهری این قصه را روایت کردند. قصه رحمان، جوان گامی‌های طالب ارباب روستای مالکیه که مجبور است به خاطر ورود عراقی‌ها به روستا اجازت ترک کند. اما طالب و رحمان اسیر عراقی‌ها می‌شوند و جاسب رعیت طالب با دشواری آن‌ها را نجات می‌دهد. این احتمالاً برای نخستین بار بود که در ایران ما پرداختی جالب از کودک و جنگ ارایه می‌شد.

گل پامچال

بنا بود نامش گل مینا باشد. در روزهای انتهایی جنگ بود که محمدعلی طالبی و تیم سریالشان کارشان را در کلاردشت آغاز کردند و تولید سریالی را رقم زدند که برایش سه سال زمان صرف شد. سریال «گل پامچال» نام گرفت و در نیمه دوم سال ۷۰ به روی آنتن رفت. سریال درباره دختری به نام لیلا بود که روزی سیکو شهرپور ۵۶ سال عمرش تمام می‌شود. موسیقی محمدرضا علیقلی و قصه پر اشک و جذاب «گل پامچال» خاطره تماشایی این سریال را برای بینندگان ماندگار کرد. طرح اولیه البته برگرفته از کتاب «مسافر» اثر لیو ورتکو بود اما آنچه به عنوان محصول تیم سریال ساز ارائه شد قابلیت‌هایی داشت که «گل پامچال» را ابعاد طرح اولیه نمی‌کرد. «لیلا» برای یافتن برادرش شبیر به اهواز و بعد تهران سفر می‌کند و بعد به همراه یکی از اقوامش عمو (ابراهیم داد) رشتیدی) به شمال می‌رود. کامبوزیا بر توی نویسندگی این سریال را در کنار محمد حاتمی (مدیر تولید سریال و مدیر وقت گروه شاهد) انجام داد. گروه بازیگران سریال پر خراطه «گل پامچال» هم به خوبی از عهده نقش‌هایشان برآمدند و تا مدت‌ها نام این سریال را بر سر زبان‌ها انداختند. فاطمه معتمدآریا، تالیا جوهری، حمیدجلی، رضاباکو، کیومرث شکلمطیعی از جمله بازیگران اصلی این سریال بودند و ستاره جعفری هم ایفای نقش لیلا را به عهده داشت. پیام و درون ماهه سریال پر بود از ارزش‌های انسانی و اخلاقی. «گل پامچال» روایت زندگی انسان‌هایی بود که با وجود تمام تنگناهایی که بعد از جنگ برایشان پیش آمده بود برای کمک به یکدیگر آماده بودند. آن سال‌ها جامعه ایرانی از عنصری که بعداً جامعه‌شناسان تحت عنوان چسب اجتماعی از آن یاد کردند، لبریز بودند.



بهترین تابستان من



تصور وجود موقعیت‌های جالب و حتی کمیک پیش از «بهترین تابستان من» در مورد آثار ساخته شده در حوزه دفاع مقدس دور از ذهن به نظر می‌رسید. ساخت این سریال با بازی علی صادقی اما این نگاه را تغییر داد. صادقی که حالا بازیگر شناخته شده سریال‌ها و فیلم‌های کمدی است در سال ۷۵ نوجوان بود. نوجوانی که صادقی نقشش را بازی می‌کرد، قصد رفتن به جبهه را داشت و در آخر هم توانست به خواست‌هایش برسد. حضور او در جبهه موقعیت‌های جذابی را به وجود آورد که علاوه بر نشان دادن بخشی از آنچه در جبهه گذشته بود، نوجوان‌های آن سال‌ها را به دیدن این سریال ترغیب می‌کرد. سریال «بهترین تابستان من» را علی بهادر کارگردانی کرد و سیدجواد هاشمی، حسین خانی‌بیک، مهدی صباغی و مینا نوروزی فرد از دیگر بازیگران محوری‌اش بودند.

بازگشت پرستوها



بخش غیر قابل انکار جنگ برای ما ایرانی‌ها مسأله اسارت و آزادگان است. آنها بخش قابل توجهی از رزمندگان ایرانی را تشکیل می‌دهند که هنوز هم در بین ما هستند. آزادگان ایرانی در اسارت‌گاه‌های رژیم بعثی تجربه‌ها و سختی‌های زیادی را از سر گذرانده‌اند. سریالی به نام بازگشت پرستوها درباره همین آدم‌هاست. البته تا پیش از ساخته شدن این سریال انبوهی فیلم کوتاه و مستند درباره آزادگان و رنج‌هایی که آنان در اسارت دیده‌اند، ساخته شده بود و بعد از آن هم به حق این مسیر ادامه پیدا کرد. اما سریالی داستانی که بتواند بر اساس مستندات قصه محوری‌اش را روایت کند، طبیعتاً مخاطبان بسیار بیشتری هم خواهد داشت که بازگشت پرستوها یکی از همین سریال‌ها بود. ابوالقاسم طالبی این سریال را در سال ۷۶ برای شبکه دو سیما ساخت که در سال ۷۸ روی آنتن رفت. کتابیون ریاحی، داوود رشیدی، رسول توکلی و سیاوش طهمورث از جمله بازیگران این سریال بودند. طالبی سعی کرد در این سریال که بیشتر در اردوگاه اسرا می‌گذشت، فیلمنامه‌اش را مبتنی بر خاطرات و مصاحبه‌های آزادگان بنویسد.

سیمرغ



حسین قاسمی جامی یکی از کارگردان‌های فعال در حوزه سریال‌سازی دفاع مقدس است. او توانست در سریالی به نام سیمرغ زندگی دو خلبان شهید شیروزی و کشوری را از سال ۷۵ تا ۷۹ روی آنتن ببرد. کسانی که آن سریال را به یاد می‌آورند نقطه قوت «سیمرغ» را انتخاب بازیگرانی می‌دانند که حضورشان در آن پروژه ایفای نقش‌ها را برای مخاطبان امکان‌پذیر می‌کرد. آنها معتقدند این سریال توانست با انتخاب محمد جوزانی در نقش شهید شیروزی و سیدجواد هاشمی در نقش شهید کشوری و علی محمد طالبی در نقش شهید چمران سیمای واقعی و زندگی رشادت‌آمیز این دو خلبان را ثبت کند. موسیقی این سریال هم که کار محمدرضا علیقلی بود در موفقیتش تأثیر بسزایی داشت. آتیلا پسیانی، مینا نوروزی فرد، رضا بنفشه‌خواه، زهره صفوی، حسن برزیده، رضا توکلی، حسین خانی‌بیک و حافظ پارسا از دیگر بازیگران سیمرغ بودند. این سریال می‌توانست آغازی باشد برای به نمایش در آمدن چهره واقعی سرداران جنگ، البته این طور نشد و پرداختی واقعی از چهره‌های شهدای جنگ تا سال‌ها بعد به تأخیر افتاد.

رقص پرواز

«رقص پرواز» سریالی بود با درون‌مایه جنگی و نگاهی بود مستقیم به حضور پزشکان کشورمان در جبهه‌های جنگ. احمد مرادپور کارگردانی این سریال را که در سال ۸۶ بالاخره بعد از سال‌ها شبکه دو سیما پخش شده به عهده داشت. حضور بازیگرانی چون مهدی هاشمی، لاله اسکندری و شهاب حسینی نیز به قوت این سریال کمک زیادی می‌کند. این سریال داستان پزشکی حاذق را دنبال می‌کند که هنگام جنگ تحمیلی از خارج از کشور به ایران می‌آید و در پی اتفاقی به خط مقدم می‌رود تا این که... محمدرضا تخت‌کشیان تهیه‌کننده این سریال آن را در هفت قسمت به شبکه دو سپرد. فیلمنامه این اثر هم که بر اساس زندگی واقعی دکتر مولایی و به قلم علیرضا طالب زاده نگاشته شده بود، تأثیر خودش را بر موفقیت این سریال گذاشت.